

## راز موفقیت - صفحه ۶۶

## #تاریخ ادبیات:

بوستان: صفحه‌ی ۱۵۵ / سعدی: صفحه‌ی ۱۵۰ / خواجه نصیرالدین توسی: صفحه‌ی ۱۵۰ / ابوریحان بیرونی: صفحه‌ی ۱۴۹

## #معنای لغات:

**راز موفقیت:** (صفحه ۶۵) جاودان: ماندگار / نیک: خوب، پسندیده / بزرگان: انسان‌های وارسته / پنهان: پوشیده، پنهان  
جایگاه: محل / گرد هم می‌آمدند: دور هم جمع می‌شدند / سپری می‌کردند: می‌گذراندند / لوح: وسیله‌ای مثل تخته که شاگردان در  
قدیم بر آن می‌نوشتند، لوحه / می‌نهاد: قرار میداد / میگذشت: عبور می‌کرد / محضر: محل حضور، درگاه / تحقیق: بررسی کردن و  
مطالعه دقیق / بحث = مناظره: گفتگو / شادابی: خوشحالی و سرزندگی / مسئله: سوال / دلخواه: مطلوب، دوست‌داشتنی / می‌یافت:  
پیدا می‌کرد / پیوسته: همواره / شگفت: تعجب برانگیز / نهفته: پنهان، مخفی / طنین: آهنگ صدا / شگفت‌زده: متعجب / پر بار:  
پرثمر، پرنتیجه / می‌آموخت: یاد می‌گرفت / دانش‌اندوزی: درس خواندن / می‌مانست: شبیه بود / فروزان: تابان، درخشان /  
هم‌درس: هم‌کلاسی / فراست = هوش = زیرکی / بر زبان می‌راندند: می‌گفتند / بر این باور بودند: اعتقادشان این بود / فرا  
می‌گیرد: می‌آموزد / رخسار: چهره / فام: پسوند رنگ، نقره فام یعنی به رنگ نقره / سیمگون: نقره‌گون، «گون» پسوند رنگ است  
یعنی به رنگ سیم (= نقره) / می‌نگرم: نگاه می‌کنم / بی‌کران: بی‌پایان / هشیار: سرحال و قیام / راز: سر / آزرده: رنجیده، غمگین  
(اینجا به معنی خسته) / سبب: خاطر، دلیل / مشتاقانه: با شوق و علاقه بسیار / گنجینه: جای نگهداری گنج، خزانه

**آخرین پرسش:** واپسین: آخرین / رنجور: ضعیف، بیمار، ناتوان / رمق: توان، نیرو / می‌گرایید: نزدیک می‌شد / بستگان: اقوام،  
فامیل / اشکبار: گریان / نگران: مضطرب / فقیه: عالم به احکام شرع / بالین: رختخواب / اندوه: غصه‌ی فراوان / مَقْطَع: بریده  
بریده، ناپیوسته / تمنا: خواستن چیزی، خواهش کردن، درخواست / تعرض: با اعتراض و شکایت، گله‌مندی / جاهل: نادان، گمراه /  
درگذرم: بمیرم / از جای برخاست ← برخاست: بلند شد / شیون: گریه و زاری با صدای بلند / بلند آوازه: معروف، مشهور / سفارش:  
توصیه / گهواره: تخت خواب کودک / گور: قبر

## #معنای شعر:

**معنی بیت اول فصل:** اگر می‌خواهی که یاد و نام تو در دنیا ماندگار و جاودان باشد، نام نیک بزرگان را زنده نگه‌دار و آن را  
پنهان نکن.

www.my-dars.ir

## #آرایه‌ها:

کوچه، میدان، شهر: تناسب / بازی، شادی، خنده: تضاد / در زیر بغل می‌نهاد: کنایه از برمی‌داشت / مغز کوچک، پرسش بزرگ ←  
کوچک و بزرگ: تضاد / چهاردیواری: مجاز از اتاق کوچک / ناآرام و آرامش: اشتقاق (هم‌ریشگی) / درخت وجود: اضافه‌ی تشبیه‌ی  
/ پر بارتر می‌شد: کنایه از باسواد می‌شد / [خواجه نصیر الدین] به تشنه‌ای می‌مانست: تشبیه / تشنه، بیابان، آب: تناسب / هرآنچه  
می‌نوشت، تشنه‌تر می‌شود: تناقض (پارادوکس)

سخن از ... به میان می‌آمد: کنایه از اینکه مطرح می‌شد / یک صدا: کنایه از متحد و هم‌رأی، همه با هم / روی سخن با او بود:  
کنایه از او مخاطب بود / پاسخ و پرسش: تضاد / نام تو را کوه آهن نهاده‌ام ← تو: مشبه؛ کوه آهن: مشبه به / کوه: نماد خستگی  
ناپذیری و استقامت / خستگی نمی‌شناسی: کنایه از قوی بودن / چون من: تشبیه‌شهر توس در آرامش فرورفته ← شهر: مجاز از  
مردم؛ عبارت: کنایه از شب هنگام / آسمان، ستاره، ماه: تناسب / ستاره‌های نقره‌فام ← ستاره‌ها مانند نقره: تشبیه

ماه چون ظرفی سیگمون: تشبیه / غرق اندیشه می‌شوم: کنایه از مشغول فکر می‌شوم / در این فضای بی‌کران شناورند: تشبیه  
آسمان به دریا که ستاره‌ها در آن شناور شده‌اند / ماه، ستارگان، آسمان: تناسب / آن و این: جناس ناقص افزایشی / تو می‌خواهی  
بخوانی و من می‌خواهم بدانم: واج آرایی «خ» و «ی» / آنچه در سینه دارند ← سینه: مجاز از وجود / گنجینه‌ی وجود: اضافه‌ی  
تشبیه‌ی

واپسین لحظات را می‌گذرانید: کنایه از در حال مرگ بودن / شمع وجود: اضافه‌ی تشبیه‌ی / شمع وجودش به خاموشی می‌گرایید:  
کنایه از داشت می‌مرد / نفس او به شماره افتاده بود: کنایه از در حال مردن بودن، لحظات آخر / بر بالین وی حاضر آمد: کنایه از به  
عیادت آمدن / دست نوازش: اضافه‌ی اقترانی / دست، سر، روی: تناسب / بر، سر: جناس ناقص اختلافی / دست نوازش بر سر و  
رویش کشید: کنایه از محبت کردن / در میان گذاشته بود: کنایه از مطرح کردن / بدانم، نادانسته: اشتقاق / دیده از جهان فروبست:  
کنایه از مُرد / ز گهواره تا گور دانش بجوی: تضمین و تلمیح به حدیث پیامبر

### #تکات\_دستوری:

هرچه از آن می‌نوشد ← آن: صفت جانشین اسم (آن آب) / پس این نیز بدان ← این: صفت جانشین اسم (این مطلب) / تنها یک  
چیز (است) و آن نیز این است: حذف فعل به قرینه‌ی لفظی

### #خود\_ارزیابی:

- ۱- زیرا با اینکه کم سن و سال تر از او بود، و مدت زمان بیشتری را پای درس و بحث می‌گذراند، اما خسته نمی‌شد.
- ۲- علاقه‌مند به علم و دانش / اهل تلاش و کوشش / با استعداد و ذکاوت
- ۳- اهل تلاش باشیم و سختی‌ها را به خاطر هدف ارزشمند آینده تحمل کنیم.

مای درس

گروه آموزشی عصر

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

@farsitadris

www.my-dars.ir